

Understanding the Patrimonial Government and the Critical
Discourse of Constitutional Poets with an Emphasis on
Spragense's Theory

Seyede Zahra Bozen ^{*1} | Abdolreza Alishahi ²

1

Vol. 10
Spring 2024
P.P: 89-112

Research Paper

Received:
25 August 2022
Accepted:
06 November 2022

Abstract

Iran's constitutional revolution can be considered the beginning of an idea for the end of traditional authoritarian regimes. Regardless of the success of the constitution or not, the issue that is important is the critical discourse of the spectrums that have been provocative and in a way the ideologues of the constitutionalists. Among them, intellectuals, marketers, clergy, writers, and poets can be mentioned. While criticizing the patrimonialism of the ruling government, during their thoughts, they made many efforts for the liberation and freedom of the country as well as drawing a bright future for the country. In This article, the authors try to investigate the patrimonial government of the constitutional era by using the Spragens Theory to explain the critical discourse of three poets of this era: Adib al-Mamalek Farahani, Vahid Dastgerdi and Malek Sho'arā Bahar. Based on this, in the first stage of observation and identification of the problem according to the interpretation of these three poets, it is the authoritarian and patrimonial government ruling the Iranian society. In the second stage or finding the root of the problem, the lack of unity in Iranian society and the presence of illegal forces in the country are discussed. In the third stage or the drawing of an ideal order, the two concepts of freedom and justice are the idealism of the three poets. Finally, in the fourth stage, or the plan of solution and treatment, the three poets emphasize the issue of constitutionalism and parliament.

Keywords: Critical discourse, Constitutional Poets, Patrimonialism Government, Iran Society.

1. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Amin University, Tehran, Iran.
sz.nozen@apu.ac.ir

2. PhD in Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.



فهم دولت استبدادی و گفتمان انتقادی شعرای مشروطه با تأکید بر روش جستاری اسپریگنز

سیده زهرا نوزن^{۱*} | عبدالرضا عالیشاهی^۲

چکیده

انقلاب مشروطه ایران را می‌توان به مثابه آغازگاه اندیشه‌ای برای پایان حکومت‌های استبدادی سنتی تلقی نمود. صرف‌نظر از موفقیت‌آمیز بودن یا نبودن مشروطه، مسئله‌ای که حائز اهمیت است، گفتمان انتقادی طیف‌هایی است که به نحوی تهییج‌گر و به نوعی ایدئولوگ‌های مشروطه‌خواهان بوده‌اند. در این میان می‌توان روشنفکران، بازاریان، روحانیت، نویسندگان، شعرا را ذکر نمود. آنان ضمن انتقاد از دولت حاکم، در خلال اندیشه‌های خود، برای رهایی و آزادی کشور و نیز ترسیم آینده‌ای روشن تلاش‌های فراوانی نمودند. به همین سبب، نویسندگان در مقاله کنونی با بهره‌گیری از چارچوب تحلیل جستاری اسپریگنز مساعی خود را معطوف به بررسی دولت عهد مشروطه و تبیین گفتمان انتقادی با رویکرد مقایسه‌ای سه تن از شعرای این عصر یعنی ادیب‌الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک‌الشعرا بهار نموده‌اند. بر این اساس، در مرحله اول یا مشاهده و شناسایی مشکل به تعبیر این سه شاعر دولت استبدادی حاکم بر جامعه ایران می‌باشد. در مرحله دوم یا ریشه‌یابی مشکل، عدم تحقق وحدت در جامعه ایران و حضور نیروهای بیگانه در کشور مطرح می‌گردد. در مرحله سوم یا ترسیم نظم آرمانی، سه مفهوم آزادی، عدالت و وطن‌پرستی ایده‌آلیسم سه شاعر مذکور می‌باشد. سرانجام در مرحله چهارم یا طرح راه‌حل و درمان، سه شاعر به مسأله مشروطه‌خواهی و پارلمان (مجلس) تأکید می‌نمایند.

کلیدواژه‌ها: گفتمان انتقادی، شعرای مشروطه، دولت پاتریمونیل، روش جستاری.

۱. دکتری نویسنده مسئول: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران..

sz.nozen@apu.ac.ir

۲. دکتری علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

مفهوم استبداد و خودکامگی را می‌توان از مفاهیم نام‌آشنای ادبیات سیاسی تاریخ ایران (اعم از تاریخ باستان یا معاصر) دانست. اغلب دولتمداران، حکام و شاهان مستبد ایران حکومت و دولت را به نوعی میراث گذشتگان خود تلقی نموده و سیاست کشور داری را مطابق رأی و نظر خود پیش می‌بردند. این مسأله در گام نخست، ضمن سوق دادن کشور به سمت و سوی یک نظام «استبدادی» و قهقرارفتن جامعه، انزوای نخبگان و تشدید سیاست‌های سرکوب‌گرایانه بیش از پیش مهیا می‌کرد. در تبیین علت این مسأله می‌توان اینگونه ادعان داشت که اساساً حکام ایران زمین از یک سو هیچگونه اعتقادی به مشارکت مردم در عرصه دولت و حکومت نداشتند و توده‌ها در بهترین حالت بسان رعیتی انگاشته می‌شدند که نیاز به راهنمایی و هدایت دارند. در واقع، حکام اغلب خود را به مثابه یک رهبر نخبه یا نماینده خداوند در زمین فرض می‌کردند.

دورانی که سرتاسر آن، حکومت مبتنی بر خودکامگی و استبداد بر جامعه ایران حکمفرما بوده است، دوران قاجار می‌باشد. به نظر می‌رسد به علت خصلت استبدادی و مشی اقتدارطلبی که شاهان قاجار داشتند، هدف اصلی آن‌ها از تاسیس و گسترش سازمان دیوان سالاری تمرکز بیشتر بر امور از طریق بسط سلطه همه جانبه خود بر جامعه بود. قدرت شاه ناشمار و اقتدار او بی‌نهایت بود و اراده تام بر همه چیز از مال تا جان مردم داشت که از آن‌ها به رعیت تعبیر می‌شد. در کنار بزرگ‌تر شدن دیوان سالاری قاجاریه به عنوان بدنه دولت، که زمینه را برای اعمال سلطه فرمانروا فراهم می‌کرد، موقعیت برای بروز و تحقق حاکمیت خودکامه نیز فراهم می‌شد. (افسری راد و همکاران، ۱۳۹۸)

گذشته از شخصیت ذاتی شاهان و فقدان ساختارهای حکومتی لازم، فرهنگ سیاسی استبداد پذیر بیشتر توده‌ها نیز سهولت حکومت استبدادی حکام قاجار را مقدور می‌ساخت اما مجموعه‌ای از رویدادها همچون وقوع انقلاب‌های صنعتی در اروپا و سفر ایرانیان به این منطقه و آشنایی با افکار و اندیشه‌های استبدادستیزانه، آغازی بر نضج اندیشه‌های اینچینی در میان افرادی شد که در آن اوان به عنوان روشنفکر یا منورالفکر شناخته می‌شدند. این افراد در ادامه به تبیین هرچه بیشتر

اندیشه‌های مبتنی بر آزادی‌خواهی، حکومت‌های ضد استبدادی، نشر و ترویج کتاب و روزنامه در میان توده‌ها و... مبادرت نموده و به نوعی به مثابه یک ایدئولوگ اثرگذار برای توده‌های مردمی درآمدند.

یکی از طبقات اثرگذار این دسته، شاعران بودند که در کنار طیف‌هایی همچون روحانیت، روشنفکران، نویسندگان و... تأثیرات شگرفی بر بیداری ایرانیان عصر مشروطه نهادند. نویسندگان در اینجا صرف نظر از وقایع منتهی به مشروطه و یا موفقیت‌آمیز بودن یا نبودن فرجام آن، به این مسأله مهم خواهند پرداخت که اساس گفتمان انتقادی شعرای این عصر پیرامون چند مرحله اساسی بوده است. در گام نخست، شعرا در آثار خود مشکلات عظیم و اصلی جامعه ایران را ترسیم، سپس، ریشه‌های این معضلات را تبیین و جامعه آرمانی مطمح نظر خود را در قالب اشعارشان ترسیم کرده و سرانجام در پی راه حل و درمان برای خروج از اوضاع اسفناک سیاسی کشور اقدام کردند.

ضرورت بررسی این مقاله را می‌توان از چند حیث مورد مذاقه قرار داد:

-نخست، بررسی حیطه‌های انتقادی شعرای عصر مشروطه؛

-دوم؛ میزان اثرگذاری و نفوذ شعرای مشروطه؛

-سوم؛ مهمترین اصل یا اصول سیاسی مورد نظر شعرای مشروطه.

با این مقدمات، پژوهش کنونی جستاری است از سوی نویسندگان در راستای ارائه پاسخی مستدل و متقن به این سوال که گفتمان انتقادی سه تن از شعرای بنام و مشهور عهد مشروطه - ادیب‌الممالک فراهانی، وحیددستگردی و ملک‌الشعراى بهار- در قبال دولت قاجار بیشتر حول چه مسائل و مفاهیمی بوده است؟ و در ادامه این مفاهیم مذکور را در چه راستا و اهدافی مطرح کردند؟

مبانی نظری پژوهش

۱. پاتریمونیالیسم ۱ و دولت استبدادی

پاتریمونالیسم یا پدرسالاری، نوعی از سلطه حکومت است که از سوی مکس وبر، برای تبیین حکومت‌های عمدتاً حاضر در خاورمیانه مورد استفاده قرار گرفت. به تعبیر وبر، پاتریمونالیسم سلطه‌ای است که در آن حکومت، ملک شخصی حاکم بوده و میزان قدرت اینگونه حکومت بسته به نیروهای سرکوب و نظامی دارد (مازام، ۲۰۱۵: ۳۷). در واقع، در اینگونه حکومت‌ها، فرد حاکم، خود را پدر و بزرگ‌تر تمامی افراد جامعه قلمداد کرده و به همین سبب هیچگونه تعهدی به فرد و نهادهای ندارد (گلوزین، ۲۰۲۱: ۲۴).

از دیگر شاخص‌های دولت استبدادی، انحصار قدرت، ثروت و منابع در دستان حاکم است که تمامی تصمیمات و سیاستگذاری با رأی و نظر مستقیم وی صورت می‌پذیرد. در این حکومت نه تنها طبقه‌های پائین دست جامعه جایی برای حضور و فعالیت در مناصب حکومتی ندارند بلکه طبقه‌های بالا و حتی متوسط نیز از این امر عمدتاً محرومند. در این حکومت، فرد حاکم تمامی منابع را برای تقویت مبانی حکومتی خود بهره برده و نیروهای نظامی، تنها به شخص حاکم تعهد دارند. بدیهی است در چنین حکومت‌هایی، مسائلی همچون آزادی، قانون، نظارت، شایسته‌سالاری معنا و مفهومی ندارد و مسأله وفاداری به شخص حاکم، معیار و مبنای انتصاب افراد می‌باشد که عمدتاً این افراد از وابستگان قومی یا اندیشه‌ای حاکم می‌باشند. نکته مهم در خصوص حکومت‌های استبدادی آن است که در اینگونه حکومت‌ها دستگاه اداری و بوروکراسی عمدتاً وجود ندارد و بالطبع دولت در اینگونه حکومت، معنا و جایگاهی ندارد و اگر هم رگه‌های کوچکی از دیوانسالاری وجود داشته باشد در استیلای مطلق حاکم قرار دارد (هانسن و کاپستین، ۲۰۲۱: ۵۵-۵۶).

با بهره‌گیری از نظریه دولت استبدادی ماکس وبر^۱ برای بررسی ساختار قدرت در ایران دوره قاجار، که از آن به سلطنت مستقله یا مستبده تعبیر می‌شود، می‌توان گفت این سلطنت از لحاظ ماهوی دارای وجوه استبدادی است. خصایص و ویژگی‌هایی که جامعه ایران را به نظامی مستبد تبدیل می‌کند عبارتند از: ساخت عمودی قدرت، ارادت سالاری، قداست داشتن حاکم (نظریه ظل الله) و تقدیر گرایی (افسری راد و همکاران، ۱۳۹۸).

1 Max Weber

- به طور کلی، برخی از مهمترین شاخص‌های نظام‌های استبدادی عبارتند از :
۱. شخصی بودن قدرت: قدرت سیاسی و ابزارهای اعمال آن همگی در استیلائی فرد حاکم قرار دارد؛
 ۲. عدم وجود نهاد سیاسی: حاکم اجازه شکل‌گیری نهادهای مردم‌سالارانه برای مشارکت مؤثر جامعه در امور سیاسی را نمی‌دهد؛
 ۳. انحصار سیاسی: تصمیم‌گیری سیاسی تنها به لایه نازکی از نزدیکان و وابستگان حاکم محدود می‌شود؛
 ۴. شیوع فساد: اعطای مناصب سیاسی و مزایای اقتصادی به عنوان ابزاری کارآمد در اختیار افراد و خویشاوندان هیأت حاکمه قرار دارد که نتیجه آن شیوع فساد در ساختار سیاسی و اجتماعی است؛
 - ۵- توسعه روزافزون میزان استبداد و خودکامگی: نخستین بازخورد حکومت‌های استبدادی، استبداد بیش از پیش حاکم می‌باشد که نتیجه این مسئله نیز اختناق جامعه و سرکوب نیروهای مخالف می‌باشد. از طرفی، فعالیت‌های پنهانی مخالفان از دیگر پیامدهای این مسأله قلمداد می‌گردد؛
 ۶. حمایت خارجی: این نوع دولت‌ها معمولاً به دلیل فقدان پایگاه مردمی به قدرت‌های خارجی روی می‌آورند (درویش پور و دیگران، ۱۴۰۰: ۴۰۶-۴۱۰).

۲. شعر در عصر مشروطه

ادبیات فارسی در طول زمان فراز و نشیب‌های زیادی به خود دیده و دوره‌های گوناگونی را طی کرده است و شعرای هر دوره نیز سبک‌ها و طرز فکرهای متفاوتی داشته‌اند. تا زمان مشروطه ادبیات تقریباً یک دست بوده است. ادبیات و شعر در انحصار طیف به خصوصی از مردم و دربار بود و درون‌مایه اغلب اشعار تا پیش از مشروطه، مدح پادشاهان، توصیف طبیعت (بهار، زمستان) و شراب، بیان احساسات، عشق، بیان افکار عارفان و پند و اندرز و... بوده است. در این دوران چهره فرهنگی ایران در آستانه مشروطیت کاملاً تغییر یافته بود. به ویژه که گروهی از تحصیلکردگان

بودند که از طریق مطبوعات و آثاری که منتشر می‌کردند به جریان نوگرایی اجتماعی و فرهنگی سرعت بیشتری می‌بخشیدند (بهرامیان فاعل، ۱۴۰۱: ۲۳-۲۴).

مرحله تحوّل‌ی که شعر و ادب عصر بیداری پشت سر گذاشت، در همه دوره‌های تاریخ ادبیات فارسی تا آن روز بی‌سابقه بود. این تغییر و دگرگونی فکری، زاده تغییراتی بود که در شئون اجتماعی - سیاسی ایران روی داده بود. در این دوره شعر و ادبیات رویکردی شگرف به سوی مردم داشت و از نظر درون‌مایه نیز دیگر روزگار مدیحه‌سرایی‌های دوران غزنوی و سلجوقی و توصیفات طبیعی و عاشقانه‌سرایی‌ها سر آمده بود. بنابراین از شعر این دوره دیگر نه به عنوان پدیده‌ای تجملی و منحصر به گروه‌های محدود، بلکه همچون امری عمومی و متعلق به گروه‌های وسیع جامعه باید سخن گفت که به جای ارتباط مستقیم با دربار و گروه‌های بالای اجتماع، از طریق مطبوعات متعدّد و با محتوای سیاسی و انقلابی مورد علاقه همگان، مخاطبان راستین خود را در گوشه و کنار شهرستان‌ها و حتّی روستاهای کشور سراغ می‌گرفت. تغییرات حاصله در شئون جامعه ایران، منجر به انقلابی ادبی در عرصه‌های شعر و نثر گردید. به طور کلی، مهمترین مضامین شعر فارسی در عصر بیداری عبارتند از: «آزادی، وطن، قانون‌گرایی، تعلیم و تربیت نوین، توجه به علوم و فنون جدید و توجه به مردم» (شفیعی کدکنی، ۱۴۰۱: ۵۳-۵۵).

۳. شعرای مشروطه و نقد دولت قاجار

پس از وقوع نوعی انقلاب در محتوا و درونمایه اشعار عهد مشروطه، عمده شاعران مساعی خود را معطوف به چند مسأله مهم در حوزه نظم و نثر ادب فارسی نمودند. نخست؛ تلاش برای آگاهی توده‌های مردم. در این راستا شعرای عهد مشروطه استبداد شاهان قاجار و شخصی بودن بافت و ساختار قدرت و نیز عدم وجود نظارت بر اعمال قدرت شاهان را به مهمترین بحث در ادبیات خود مبدل نمودند. در ادامه، شعرای این عهد، با تأکید بر این موضوع که غفلت و عدم بیداری جامعه اصلی‌ترین علت دولت استبدادی قاجار می‌باشد، بخش مهمی از مساعی خود را به بیداری ایرانیان و تلاش برای آغاز زندگی نوین نمودند:

ادیب الممالک فراهانی شاعری است انقلابی، اصلاح طلب و سخت منتقد دربار قاجار، اما به نظر می رسد شاعر بیشتر درد فردی و شخصی دارد و من فردی او بر من اجتماعی غلبه دارد و این خصالت دیگر شاعران این دوره از جمله یغما، شیانی و داوری است. در عین حال بسامد انتقادات اجتماعی و طعن و طنزهای نیشدار او به اندازه ای است که بتوان او را آغازگر راهی دانست که با امثال بهار، دهخدا، وحید دستگردی، ایرج میرزا و ... به کمال می رسد. شعر ادیب سرشار از مضامین اعتقادی و باورهای دینی است و به خوبی می توان اعتقادات یک فرد مسلمان شیعه را در اصول و فروع دین در دیوانش دید (حاتمی و همکاران، ۱۳۸۸).

و این چنین ادیب الممالک فراهانی که مهمترین مولفه سیاسی شعر او پند و اندرز است، وحید دستگردی با تاکید بر وطن دوستی و ملک الشعرا بهار با انتقاد از وضعیت کلی اجتماع و در نهایت پس از ترسیم درد و رنج های جامعه ایران، تلاش خود را برای استکبار ستیزی شاهان قاجار و بیداری مردم در قالب مفاهیمی همچون آزادی، مجلس و ... مطرح می کنند. هرچند در ادامه خواهیم دید که این امیدواری به مجلس و نمایندگان از مسیر خود منحرف و یأس و ناامیدی فزاینده ای بر شعرا حاکم می گردد.

برخیزم و زندگی زسرگیرم	وین رنج دلاز میانه برگیرم
باران شوم و به کوه و در بارم	اخگر شوم و به خشک و تر گیرم

در عرصه گیرودار بهروزی
 آویز و جدال شیر نر گیرم
 (بهار، ۱۳۸۰: ۱۶۵)

در ادامه، شعرای مشروطه نهادینگی استبداد شاهان قاجار را به دو مسأله مهم تشتت، افتراق و عدم وحدت طبقات و توده‌ها و نیز حضور و دخالت نیروهای استکباری همچون روس و انگلیس مرتبط دانسته و همواره در اشعار خود ضمن برجسته نمودن تاریخ و هویت غنی ایران، بر مبارزه با نیروهای استکبارگر و اتحاد نیروهای میهنی تأکید نمودند:

ای علمداران امت ای نوامیس خرد
 ای خدوندان فکرت ای جواسیس قلوب
 راعی ما گله را به دست گرگ داد
 ساقی ما باده را به سم دارد مشوب ...
 (ادیب الممالک، ۱۳۴۵: ۱۰۵)

روس باماجنگ کرد و در گلستان عهد
 لیک ناگه عهدهای بسته را درهم شکست
 بست

(بهار، ۱۳۸۰: ۱۴۳)

مباش غره به تقلید غریبان که به شرق
 اگر دهد، هنر شرقی احترام دهد
 ای تو شرقی به شرق اندرون کمالاتی است
 ولی چه سود که غربت فریب تام دهد
 (بهار، ۱۳۸۰: ۶۷۲)

پیشینه پژوهش

- ویلیام جی گریس (۱۳۸۱) در کتاب "ادبیات و بازتاب آن" ترجمه بهروز عزب دفتری، ادبیات را در هر ملتی نماینده دل و جان و روان آن ملت می‌داند و معتقد است که ادبیات یک ملت نمی‌تواند از حوادث و جریان‌های سیاسی و اجتماعی زمانه تأثیر نپذیرد و باور دارد که شناخت تحولات و رویدادهای سیاسی و اجتماعی به منظور شناخت و فهم ادبیات ضروری است؛
 - یحیی آرین‌پور (۱۳۸۷) در کتاب: «از صبا تا نیما» جلد دوم، به گونه‌ای جداگانه به هر سه شاعر پرداخته است و درباره ارزش شعر و موضوع و محتوای آثارشان مفصل بحث کرده است؛

- حسن زاده میرعلی و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان: «تأثیر طبقه اجتماعی بر شعر شاعران دوره مشروطه با تمرکز بر اشعار «ایرج میرزا» و «فرّخی یزدی» معتقدند که دیدگاه‌های ایرج میرزا و فرّخی یزدی در حوزه‌های نقد سنت‌های دینی و نقد اجتماعی، آزادی، وطن پرستی، استعمارستیزی، استبدادستیزی، دعوت به مبارزه و تجمل‌گرایی با یکدیگر متفاوت است؛
- آسیه ذبیح‌نیا عمران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان: «رویکرد اعتراضی سیاسی فرّخی یزدی و تفکرات انتقادی استبداد ستیزانه او در عصر مشروطه» معتقد است که برخلاف سایر ادوار سیاسی ایران، درد غالب و مطرح، در دوران مشروطه، درد مردم، سیاست‌های غلط حاکم بر جامعه و ظلم حاکمان است و توجه و اقبال مردم به او و شعرش نیز ریشه در همین دیدگاه اجتماعی وی دارد؛
- مرتضی محسنی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان: «تحلیل تطبیقی آیات و احادیث در شعر مشروطه (ملک الشعرا بهار، نسیم شمال و میرزاده عشقی)» با ارائه جداول و آمار، گرایش بهار، نسیم شمال و میرزاده عشقی به آیات و احادیث در طول حیات شاعری آنان را نشان داد. دستاورد پژوهش ناظر بر این بود که ملک الشعرا بهار، در دیوان شعری خود، در استفاده از آیات قرآنی و احادیث به ترتیب با ۲۲۷ آیه و ۱۷۴ حدیث، بالاترین رتبه را نسبت به نسیم شمال و عشقی به دست آورده است؛
- شفیع قهفرخی و دیگران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان: «درون‌مایه‌های سیاسی آثار ادیب‌الممالک فراهانی» معتقدند ادیب‌الممالک فراهانی یکی از ادیبان بزرگ آن دوران بوده و در کنار دیگران، و با اثرپذیری از حوادث و افکار زمانه اش، دوره جدیدی از ادبیات سیاسی فارسی را رقم زده است. در نهایت نویسندگان در راستای تبیین صیغه سیاسی افکار ادیب به بررسی مسائلی همچون تجددخواهی، عدالت، ناسیونالیسم و وطن پرستی، آزادی خواهی و قانون مداری، وحدت، اخلاق و سیاست، و نیز آگاهی بخشی برای پیشرفت، در آثار وی می‌پردازند؛
- و جوه نوآوری مقاله کنونی را می‌توان از چند حیث مورد بررسی قرار داد:
- نخست؛ اساساً پژوهش مستقلی در خصوص دولت استبدادی و شعرای عصر مشروطه با محوریت دولت قاجار صورت پذیرفته است؛

دوم؛ بررسی علل و عوامل سقوط جامعه ایران در استبداد محض شاهان قاجار از نگاه این سه شاعر؛ سوم؛ بررسی و تدقیق در راهکارهای متفاوت این سه شاعر برای رهایی جامعه سیاسی ایران از استبداد.

روش‌شناسی پژوهش

این مقاله از نوع تحقیقات کیفی است که همانگونه که در فوق تبیین گردید؛ هدف نویسندگان پژوهش حاضر بررسی تطبیقی آرای انتقادی شعرای مشروطه در قالب رویکرد مقایسه‌ای می‌باشد تا بتوان در ادامه نحوه ارائه دولت مطلوب را در امر سیاسی براساس الگوی جستاری اسپریگنز نمایان ساخت. در این راستا، نویسندگان ضمن بهره‌گیری از تئوری دولت استبدادی، با مراجعه به کتب تاریخی، دیوان اشعار، کتاب‌ها و مجموعه مقالات مرتبط و با تأکید بر گفتمان سیاسی سه شاعر مذکور، سعی در تبیین گفتمان انتقادی آنان در چهارمحور مشکل‌شناسی، علت‌شناسی، آرمان‌شناسی و راه‌حل‌شناسی تدوین شده دارند. به همین سبب، یافته‌های پژوهش با بررسی دقیق و مقایسه اشعار سه شاعر منتخب دوران مشروطه مورد واکاوی قرار می‌گیرد. سپس برای هر یک از مولفه‌های الگوی جستاری اسپریگنز مصداق‌هایی استخراج و با تحلیل یافته‌ها مدل مفهومی پژوهش ترسیم می‌گردد.

یافته‌های پژوهش؛ گفتمان انتقادی شعرای مشروطه با تأکید بر الگوی جستاری

اسپریگنز

"روش منطبق باسازی شده" اسپریگنز از نمونه‌های روش استخراج ساختار منطقی متن است، که به واسطه آن مفسر می‌کوشد تا اندیشه سیاسی را در رابطه با بحران‌های عصر تولیدشان و پرسش‌هایی که زاینده متون بوده‌اند، توضیح دهد. روش‌های تولید گفتمان شیوه دیگری است که معمولاً طیفی از نظریات را به خدمت می‌گیرند تا منظومه معنایی متن را توضیح دهند (میراحمدی؛ مرادی طاه‌ها، ۱۳۹۶).

۱. مرحله اول، مشاهده و شناسایی مشکل: دولت استبدادی حاکم بر جامعه

ایران:

پادشاهان قاجار تا قبل از انقلاب مشروطیت، با گسترش و توسعه دیوان‌سالاری، توانستند سلطه سیاسی خود را که از ویژگی خودکامگی برخوردار بود، بر جامعه تسری دهند. اعضای دیوان‌سالاری نیز، تلاش خود را بر تقویت سلطه سنتی شاه بر جامعه با ایفای وظیفه سرسپردگیشان متمرکز می‌کردند. آنها می‌دانستند بقا و دوامشان، ارتباط مستقیمی با عملکردشان در جهت افزایش اقتدار خودکامه شاه داشت. در سلطه سنتی وبری، خودکامگی وجهی از اقتدارطلبی است که به کمک شرایط خاصی از جمله وجود یک دیوان‌سالاری وابسته به حکومت محقق می‌شود، به گونه‌ای که دیوان‌سالاری بازوی اجرایی یک فرمانروای پاتریمونیال می‌باشد (افسری راد و دیگران، ۱۳۹۸).

شعرا مشروطه همگام با سایر روشنفکران و مبارزان آن عهد، مسأله استبداد و خودرأیی طبقه حاکمه را از مهمترین و اصلی‌ترین مشکل جامعه قلمداد می‌کردند. در این راستا شعرا مذکور ضمن انتقاد از استبداد شاهان، عاقبت خودرأیی آنان را اضمحلال حکومتشان دانسته و همواره به آنان هشدار می‌دادند. به همین سبب، در گام نخست، شعرا مذکور، اهمّ مساعی خود را صرف مبارزه با مسأله استبداد حاکم بر جامعه ایران نمودند:

۱,۱. ادیب الممالک و غرب ستیزی: ادیب الممالک در قصیده‌ای با مطلع «در خراسان میرزا صدراى نجدالسلطنه / کرده بیدادی که اندر گله، گرگ گرسنه»، در این مورد از شخص اوّل مملکت تا بزرگان و صاحبان قدرت همه را زیر سلاح انتقاد می‌برد و روی زشت استبداد را در ابیات خود به تصویر می‌کشد (ادیب الممالک، ۱۳۴۵: ۴۵۴). ادیب بعد از این که محمدعلی شاه مجلس را به توپ می‌بندد، قصیده‌ای در نکوهش او درآمیخته با پند و اندرز و انذار می‌نویسد و با تندی تمام نفرینش می‌کند: امروز که حق را پی مشروطه قیام است/ بر شاه محمدعلی از عدل پیام است / کای شه به زمینت زند این توسن دولت/ کامروز به زیر تو روان گشته و رام است... (ادیب الممالک، ۱۳۴۵: ۸).

۱,۲. وحید دستگردی و غرب ستیزی: وحید دستگردی در ترکیب بند «اقبال و معدل» از بیدادگری سخن می‌گوید: «اقبال الدوله» در ستمگری ضحاک عصر بود و «معدل الممالک شیرازی» مار روی دوش او که مردم را به نابودی می‌کشاند اما در نهایت عدالت خواهان و آزادی

خواهان مانند کاوه داستان های اساطیری گرز قیام برافراشتند تا بتوانند در نهایت افراد لایق برای فرمانروایی را بر سر کار آورند آن گونه که در اساطیر، عدالت خواهان فریدون را بر سر کار آورده بودند: با صفاهان گر کدورت چند روزی یار بود/ بسته در زنجیر محنت گردن احرار بود- در ستم «اقبال»، ضحاک و «معدل»، مار بود/ بود ضحاک آدمی گُش، مار آدم خوار بود/ کاوه گرز گاو سار افراشت با فر و شکوه/ تا به سوی شهر آرد فر افریدون ز کوه/ (دستگردی، ۱۳۰۷: ۶۹).

۱,۳. ملک الشعرای بهار و غرب ستیزی: ملک الشعرای بهار در ترکیب بند «آینه عبرت» با شجاعت نسبت به استبداد و خودکامگی شاه می سراید و در زمینه بیدارگری لحظه ای غفلت را جایز نمی داند: او در این شعر به محمدعلی شاه اندرز می دهد تا از «غفلت» رها شود و مملکت را دریابد چرا که وطن طعمه چنگال تیز استعمار گران شده و جای سستی و درنگ نیست! بهار کشور را آنچنان آشفته می بیند که جز خدا برای آن فریادرسی را متصور نیست و اذعان می دارد که فقط خدا باید به داد ملت برسد. « پاسبانا تا به چند این مستی و خواب گران؟! پاسبان را نیست خواب، از خواب سر بردار، هان! گله خود را نگر بی پاسبان و بی شبان/ یک طرف گرگ دمان و یک طرف شیر زیان / آن ز چنگ این ریاید طعمه این از چنگ آن / هر یک آلوده به خون این گله چنگ و دهان/ پاسبان مست و گله مشغول و دشمن هوشیار / کار با یزدان بُود کز کف برون رفته است کار / (بهار، ۱۳۸۰: ۶۴).

۲. مرحله دوم؛ ریشه یابی مشکل: (با تأکید بر عدم وحدت جامعه ایران و حضور نیروهای بیگانه به ویژه روس و انگلیس)

مطابق مرحله دوم در نظریه جستاری اسپریگنز، علت یابی یا ریشه یابی مشکل صورت می پذیرد. شعرای سه گانه مذکور، پس از تشخیص مسئله اصلی که همان استبداد حاکم بر جامعه ایران بود، در مرحله دوم یا ریشه یابی مشکل، دو مسئله اساسی را در این رابطه تبیین نمودند: نخست؛ عدم وحدت جامعه ایران و دوم؛ حضور و دخالت نیروهای بیگانه در کشور.

۱,۱. وحدت و اتحاد

۲،۱،۱. ادیب و مفهوم وحدت: از نظر ادیب قدرت در اتحاد است و برای همین خداوند امر بر «شورا» داده است. وی با تمثیل «قطره و دریا» و «دانه گندم و خرمن» این امر را روشن می‌سازد: غرض ز انجمن و اجتماع جمع قواست / چرا که قطره چو شد متصل به هم، دریاست / ز قطره هیچ نیاید ولی چو دریا گشت / هر آن چه نفع تصور کنی در او گنجاست... / ز گندمی نتوان پخت نان و جوع نشاند / چو گشت خرمن و خروار وقت برگ و نواست / ز فرد فرد محال است کارهای بزرگ / ولی ز جمع توان خواست هر چه خواهی خواست... (محمودی زاده و حسین زاده، ۱۳۹۶: ۱۸).

۲،۱،۲. وحید دستگردی و مفهوم وحدت: وحید هم درنگ را جایز نمی‌شمارد و از امت اسلامی می‌خواهد تا در برابر دشمنان ایستادگی کنند و مطالبه گر حقوق پایمال شده خود باشند: «تبغ وحدت بکشید ای ملل اسلامی / ز آب خون پاک بشوید لک بدنامی /... / روز تعجیل به جنگ است نه هنگام درنگ (وحید، ۱۳۰۷: ۱۸).

۲،۱،۳. ملک الشعرای بهار و مفهوم وحدت: بهار نیز مردم را به همبستگی و اتحاد دعوت می‌کند و در ترجیع‌بند «اتحاد اسلام» مردم را به کنار گذاشتن نفاق و پرهیز از دوگانگی فرامی‌خواند (بهار، ۱۳۸۷: ۱۲۸). او از این که سرزمین های اسلامی همدلی و وفاق را جدی نمی‌گیرند ناخرسند است و بر این باور است که این ملت‌ها با جنبش، یکدلی و در نهایت با «اتحاد» می‌توانند به استقلال و عمران و آبادی برسند: «چند گویی چرا مانده ویران / هند و افغان و خوارزم و ایران؟ / چند گویی چرا جسته مأوا / خرس پتیاره بر جای شیران؟ / چند گویی چرا روز حاجت / مانده از کار دست شیران؟ / چند گویی چرا ما اسیریم؟ / زآنکه آزادی ما اسیران- / جنبش و دوستی و وداد است / روز یکرنگی و اتحاد است... (بهار، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

۱،۲. حضور و دخالت نیروهای بیگانه

۲،۲،۱. ادیب الممالک و مخالفت با حضور، مداخله و باج خواهی نیروهای بیگانه: باتامل در اشعار او می‌توان دریافت ادیب الممالک شاعری است وطن پرست و از دخالت بیگانگان در ایران و تقسیم گستاخانه منافع کشور بین اجانب، دلی پر خون و روحی نگران و آشفته دارد. این ناله و زاری های وی چندان نیز اغراق آلود نیست چرا که بدترین مصایب کشور، که تکه پاره شدن

ایران و از دست رفتن مناطق وسیعی از آن از غرب و شمال است، در طول همین دوره بر کشور وارد شده است (تسلیم جهرمی و امیریان، ۱۳۹۱). ز راه کرم ای نسیم سحرگه / سوی پارساگردبگذر از این ره / ز برای خدا، از طریق وفا، بنگر به سوی ما / که جهان به ما شده چون قفس، به گلو رسیده همی نفس (ادیب الممالک، ۱۳۸۴: ۵۴۱).

۲،۲،۲. وحید دستگردی و مخالفت با حضور، مداخله و باج خواهی نیروهای بیگانه: در ترکیب بند «نوریه» تأکید او بر این است که مردم باید از فرصت‌های به دست آمده در برابر بیگانگان متجاوز استفاده کرده و دفع شر نمایند. خصم ایران شد به دام نکبت و ذلت اسیر / دوست بر دشمن چو شیر نر به روبه گشت چیر... / ای مسلمانان عالم تا به کی صبر و درنگ؟ / خصم در چاهست باید بر سرش کوبید سنگ /... (دستگردی، ۱۳۰۷: ۳۰). بنابراین یکی از محورهای مهم اشعار وحید، ایستادگی در برابر استبداد خارجی است و او در ترجیع بند «درویش یورشی» می‌نویسد: از دو طرف می‌کنند؛ کشور جسم پایمال / روبه زشت از جنوب؛ خرس دغل از شمال... / آدمیان تا به چند؛ با خرسان در جوال؛ / غرشی ای نره شیر؛ که خرس و روبه رمد / هو حق مولا مدد؛ نابود کن دیو و دد / (دستگردی، ۱۳۰۷: ۶).

۲،۲،۳. ملک الشعراى بهار و استکبار ستیزی: بهار هم همچون بسیاری از شعرا و وطن دوستان حقیقی عصر خود می‌داند که از انگلیس و روسیه خیری به ایران نمی‌رسد. این استعمارگران فقط به فکر منافع خودشان هستند و اگر هم با خودشان اختلافاتی بر سر مسائل داشته باشند، برای به دست آوردن منافع مشترک در کشورهای تحت نفوذ یا کشورهای رو به ضعف، با هم به صلح می‌نشینند و متحد می‌شوند (محقق و عباسی، ۱۳۹۹: ۳۰۲). خرس صحرا شده همدست نهنگ دریا / کشتی ما را رانده است به گرداب بلا / رقبا را به هم امروز سر صلح و صفاست / آری این صلح و صفایشان ز پی ذلت ماست / (بهار، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

بهار نسبت به دولت انگلستان هم سکوت نمی‌کند و تلاش می‌کند تا چهره واقعی این دولت عهدشکن، مکار و غارتگر را که عامل ترور بزرگان و نخبگانی چون امیر کبیر است را در لا به لای اشعارش به پرده تصویر در آورد: طعمه خود فرض کردی جمله موجودات را / وقت آن

آمد که یکسر طعمه اعدا شوی (بهار، ۱۳۸۷: ۵۵۴). اختلاف افکندی و کردی حکومت در جهان / شد دمی کز اتحاد خصم بی ملجا شوی (بهار، ۱۳۸۷: ۵۵۴).

و- وحید دستگردی و استکبار ستیزی (ضدیت با روس و انگلیس و ستایش آلمان): وحید در نمونه‌های زیادی در برابر روس و انگلیس جناح می‌گیرد و ویرانی مملکت ایران را از چشم این دو کشور بیگانه می‌بیند و در برابر آن‌ها، «آلمان» را می‌ستاید: تا زمین است و زمان با شوکت ایران زنده باد / لشکر ژاندارم با ایران به دوران زنده باد / مرده بادا انگلیس و روس و، آلمان زنده باد / اهرمن نابود و آصف با سلیمان زنده باد / (وحید دستگردی، ۱۳۰۷: ۴۰).

۳. مرحله سوم؛ ترسیم نظم آرمانی: (با تأکید بر عدالت و آزادی)

توماس اسپریگنز در تئوری خود، پس از تبیین مراحل اول و دوم، در مرحله سوم، به ترسیم نظم آرمانی و یا به عبارتی «ایده آلیسم» مورد نظر مبادرت می‌نماید. در این راستا، شعرای مذکور، پس از نقد به استبداد حاکم شاهان قاجار در مرحله نخست و سپس در مرحله دوم علت یابی این مسئله، در گام سوم، به ترسیم نظم یا ایده آلیسم مدنظر جامعه ایران پرداختند. در این رابطه، ادیب الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک الشعرا بهار سه مفهوم عدالت، آزادی و وطن پرستی را مورد توجه قرار دادند.

۳.۱. عدالت

۳.۱.۱. ادیب الممالک و مفهوم عدالت: در دیدگاه ادیب اوضاع عدلیه بسیار پریشان است و محیط آن پر از آدم‌های بی‌دین کژمنش است و در آن جا خیر و شر در هم آمیخته است؛ کار اصلی این قوم غارت اموال و ریختن خون بیگناهان است! قضا و ساحت عدلیه یا رب از چپ و راست / تهی ز مردم دیندار و دین پرست چراست؟ / بنای کژ نشود راست گفته اند ولیک / به دست کژمنشان این بنای کژ شده راست! / ... بین در این جا هم امتزاج خیر و شر است / ز لطف قانون هم اختلاط صیف و شتاست / شعارشان همه بی‌دینی است و بی‌شرفی / وظیفه غارت اموال خلق و سفک دماست! / (ادیب الممالک، ۱۳۴۵: ۸۹).

۳.۱.۲. وحید دستگردی و مفهوم عدالت: وحید دستگردی اشرافی‌گری را دلیل بی‌عدالتی و فشار بر طبقات محروم جامعه می‌داند و در ابیات زیر اینگونه به این نکته اشاره می‌کند:

بلای مملکت اعیان و اشراف‌اند پنهانی/عیان گردید این معنی چو روز امتحان آمد.../ هزاران خانه
ویران گشت از بنیاد و یک خانه/به سیم دیگران با کاخ زرین توأمان آمد/ هزاران رنجبر تا جان
نداد از سختی و زحمت/کجا یک گنج‌بر با دولت قارون قران آمد.../ (دستگردی، ۱۳۰۷: ۵۵-۵۶).

۳،۱،۳. ملک الشعرای بهار و مفهوم عدالت: بهار که امیدی به بهبود اوضاع ندارد در
قصیده "کار ایران با خداست"، عدالت را تنها روزنه امید و رهایی برای ملت ستم‌دیده ایران می
داند: هر دم از دریای استبداد آید بر فراز/ موج‌های جانگداز/ زین تلاطم کشتی ملت به
گرداب بلاست/ کار ایران با خداست/ مملکت کشتی حوادث بحر و استبداد خس/ ناخدا
عدل است و بس/ کار پاس کشتی و کشتی نشین با ناخداست/ کار ایران با خداست/ (بهار، ۱۳۸۷:
۱۲۵).

۳،۲. آزادی

۳،۲،۱. ادیب‌الممالک و ستایش آزادی و آزادی خواهان:

ادیب در مسمط «چکامه نادری» به ستایش مجاهدین اصفهان و سپاه بختیاری می پردازد: ای
نیاکان شما شیراوژنان روزگار/مرز جم زان شیرمردان هنرور پایدار/ گشت زین کشور درفش
کاویانی آشکار/ کوفت از ضحاک، سر با گاوسر کاوه چو مار/ گشت افریدون فرخ بر جهان
مالک رقاب... (ادیب‌الممالک، ۱۳۴۵: ۳۲). ادیب‌الممالک در قصیده «الیماتوم» با نمادهای
اساطیری و تاریخی به تمجید از آزادی خواهی می پردازد: کجاست کاوه که بار دگر درفش به
دست / به شهر فریدونی آورد ز جبال / کجاست نادر دور کنون که بر در او / چنین وحید گشاید
زبان عجز و سؤال / که ای پناه عجم آگهی ز کشور جم / وز آنچه رفت به کشور ز حال و استقبال /
ز جای خیز که در پیش پای بنشینند / جماعتی که ندانند نقص راز کمال ... (ادیب
الممالک، ۱۳۴۵: ۲۷).

۳،۲،۲. وحید دستگردی و ستایش آزادی و آزادی خواهان: وحید دستگردی

هنگامی که محمدعلی میرزا مجلس شورای ملی را به توپ بست شعر «مرثیت» را سرود: یوسف به
درهمی چند؛ بفروختند خرسند / داد از شکم پرستان؛ آه از علوفه خواران / خون غم سیاوش در
طشت می زند جوش / کیخسروا بیارای؛ صف‌های کامگاران / (وحید دستگردی، ۱۳۰۷: ۸۷)

و. وحید در «چکامهٔ بختیاری» به تمجید و ستایش ضرغام السُلطنه که پیشاهنگ پیروزی بزرگ آزادیخواهان و غلبه بر استبداد در شهر اصفهان بود می پردازد: حامی عدل مظفر داور فتح و ظفر / ماحی بیداد، عادل پرورِ ظالم شکار / کنز قدرت، مجمع تدبیر، برهان خرد / آفتاب فیض، دریای هنر، کوه وقار / زنده شد مشروطه ای میر کبیر از فر تو / سوخت استبداد را تیغ تو خرمن برق وار / ... (وحید دستگردی، ۱۳۰۷: ۶۱).

۳،۲،۳. ملک الشعراء بهار و ستایش آزادی و آزادی خواهان: بهار که دیکتاتوری را در دولت قاجار احساس می کند و آن را مخالف زبان آزادی و آزادی خواهان می داند می نویسد: با شه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست / کار ایران با خداست / مذهب شاهنشاه ایران ز مذهب ها جداست / کار ایران با خداست / ... (بهار، ۱۳۸۷: ۱۲۴). او در ابیات زیر از مسقط «تهنیت فتح تهران» رشادت ها و جانفشانی های ستارخان را ارج می نهد: حضرت ستارخان، سپهبد نامدار / امیر نصرت پژوه؛ هُزبَر دشمن شکار / پیل دمان روز رزم؛ شیر ژیان وقت کار / تیغش مغفر شکاف؛ تیرش خفتان گذار / آنکه به یک دار و گیر، آن که ز یک گیر و دار / کرد ز خون عدو، دشت و دمن لاله گون / (بهار، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

۳،۳. وطن پرستی

۳،۳،۱. ادیب و وطن پرستی: ادیب وطن و وطن پرستی را از واجبات برشمرده و آن را بسیار حیاتی برای بقای یک ملت می داند: گر رگ ایرانیت به تن بود ایدر / جیحون سازی ز دیده تل و دمن را / مرد، وطن را چنان عزیز شمارد / با دل و جان که شیرخواره لبین را / مرد، وطن را چنان ز صدق پرستد / فاش و هویدا که بت پرست وثن را (ادیب الممالک، ۱۳۴۵: ۳).

اما ادیب در بین صاحبان قدرت وطن فروشانی را می بیند که به جای منافع ملی به فکر منافع شخصی اند: «آخر ای ایرانیان ای مردمان با شرف / از چه رو دادید این سان ملک ایران را ز کف؟ / گر چه بُد معلوم از اول کان بهایم سیرتان / صورتی بودند و بد مقصودشان آب و علف» (ادیب الممالک، ۱۳۴۵: ۳۱۵).

۳،۳،۲. وحید دستگردی و وطن پرستی: او را که شاعر توانای دوره بیداری می دانند در چکامه بختیاری پایتخت نشینان را دعوت به حمایت از هم وطنان خود در اصفهان می کند: حس

ملی چه شد و همت ایرانی کو؟/ غیرت دین به کجا رفت و مسلمانی کو؟ (دستگردی، ۱۳۰۷: ۵۲۲). «هر که بینی در ره دین و وطن کوشیده اند/ تا نبینی پرده بر روی غرض پوشیده اند/ دست آویز است این را دین و آن یک را وطن/ پایدار این گونه بر دین و وطن کوشیده اند» (دستگردی، ۱۳۰۷: ۴۰۲). آنچه در دل شاعر ایجاد تشویش و نگرانی می کند وجود خائنانی است که ریاکاری پیشه کرده اند و حس وطن پرستی را به بهایی اندک داده اند: «وطن چگونه شود زانگلیس و روس آزاد/ که این گروه بتر زانگلیس و از روس اند/ ز دوست دست نگیرد آن جماعت دون/ که دشمنان وطن را به عجز پابوس اند/ (دستگردی، ۱۳۰۷: ۴۰۷).

۳،۳،۳. بهار و وطن پرستی: مفهوم وطن و وطن پرستی در اشعار بهار موج می زند و او این مهم را ارزشی اخلاقی - دینی می داند: هر که را مهر وطن در دل نباشد، کافر است / معنی حب الوطن، فرموده پیغمبر است (بهار، ۱۳۸۰: ۶۶۹). خدمت من مخفی و پوشیده نیست / لیک ز خود وصف پسندیده نیست / سال شد از بیست فزون تا که من / گشته ام آواره حب الوطن (بهار، ۱۳۸۰: ۱۵۵).

۴. مرحله چهارم؛ طرح راه حل و درمان

در تئوری جستاری اسپریگنز، مرحله نهایی طرح راه حل و یا به عبارتی تجویز نسخه درمان می باشد. به دیگر سخن، پس از شناسایی مشکل، ریشه های وقوع آن، ترسیم نظم آرمانی سرانجام بایستی بتوان مشکل موجود را درمان نمود. با جستاری در آثار ادیب الممالک، وحید دستگردی و بهار می توان تلاش برای تحقق یک نظام مشروطه واقعی و مجلس نمایندگان حقیقی مهمترین راه حل ممکن برای جامعه استبداد زده ایران آن اوان می باشد. هر چند در ادامه مشخص گردید که مجلس و مشروطه واقعی نه تنها در ایران امکان پذیر نبود، بلکه خود یکی از عوامل واپس گرایی ایران آن عهد تلقی گردید.

۴.۱. ادیب الممالک، مشروطه و مجلس:

ادیب الممالک پیش از مشروطیت شاعری مداح بود و وابسته به دربار قاجار، اما با نظام مشروطیت تحت تاثیر مسائل سیاسی و اجتماعی قرار می گیرد و این مضامین در اشعارش جلوه ویژه ای پیدا می کند. بنابراین با وقایعی که بر سر مشروطه و مشروطه خواهان گذشت، ادیب

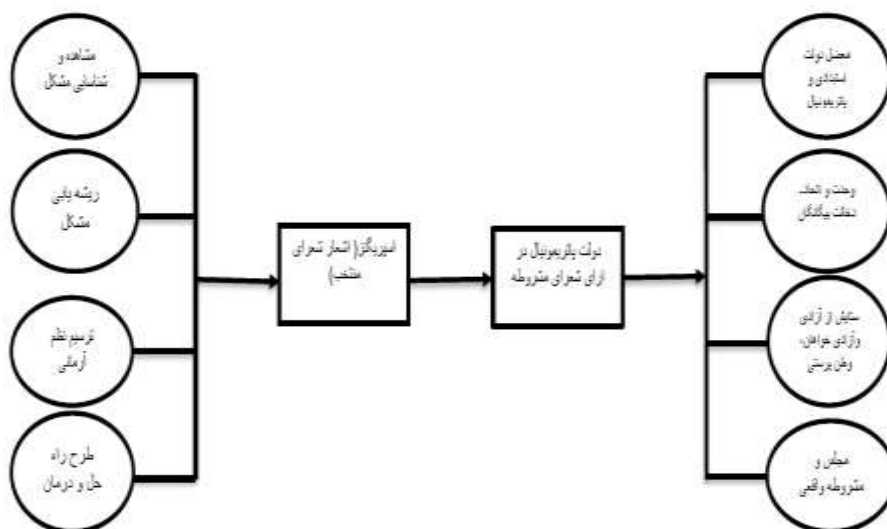
الممالک نه تنها حامی مشروطه نگردید بلکه به شدت به آن تاخت. در واقع اینجا یکی از تفاوت های مهم ادیب با وحید و بهار است چرا که وی آشکارا به جریانات پسامشروطه و فساد و ناکارآمدی نمایندگان و وزرا می تازد و اینگونه اعتراض می کند: «این آن مشروطه ای نیست که ما می خواستیم و توقع می داشتیم! تنها وزیران خائن دولت، از این مشروطه سود برده اند؛ چیزی عاید مردم نشده است (سلیمانی و مهرآوران، ۱۳۹۸: ۱۷۰). برعکس آن چه توقع بود به جای عدل و انصاف و کرم، ظلم و اجحاف و ستم رواج یافته است! «سگ چوپان شده با گرگ انباز/ بره را گرگ ستم کاره ربود/ دیده در خون جگر زد غوطه/ باد لعنت به چنین مشروطه...» (ادیب الممالک، ۱۳۴۵: ۵۴۸). ادیب به ستایش از نمادهایی چون قانون اساسی، مشروطه، عدالت و مجلس می پردازد و زمانی که محمد علی شاه مجلس را به توپ می بندد، تاسف عمیق خود را اینگونه بیان می کند: ای خاک بهارستان سقفت ز چه وارون شد؟/ ای رشک نگارستان خاکت ز چه گلگون شد؟ (ادیب الممالک، ۱۳۴۵: ۵۴۴)

۴،۲. وحید دستگردی، مشروطه و مجلس: وحید دستگردی نیز از وزرا و وکلای ناکارآمد و افراد خیانت پیشه و آنهایی که مملکت و ملت را به ورطه نابودی و عذاب انداخته اند می نالد. وحید دستگردی با سرودن چکامه بلند "بختیاری" می خواست با ارج نهادن به کارگزاران و دستیاران انقلاب، آزادیخواهان را در به کف گرفتن سرنوشت خود تشحید کند؛ دیگر این که غارتگران سرمایه ملی و اربابان زر و زور و دشمنان استقلال را رسوا و قدر قدرت بودن آنان را خنثی کند (رادمنش، ۱۳۸۷).
از وزیر افزوده شد در مملکت و زرو بال/ وز و کیل افتاد ملت در عذاب و در نکال... (دستگردی، ۱۳۰۷: ۳۵).

۴،۳. ملک الشعراى بهار، مشروطه و مجلس: بهار هم از این که مجلس روزنه امیدی برای مردم ستمدیده ایران بود احساس غرور می کرد و بازتاب آن را می توان در اشعارش مشاهده کرد: "در مجلس به فرخی و اشد / آنچه گم گشته بود پیدا شد/ مه رخشان عدل طالع گشت/ دیو دژخیم ظلم رسوا شد (بهار، ۱۳۸۷: ۲۷۹). اما ناکارآمدی، بی کفایتی و ناکامی مجلس در تحقق نیازهای مردم باعث شد تا او عملکرد مجلس را مورد انتقاد قرار دهد: مجلس هفتم، آن مجلس

شومی است که هست/ از چنین مجلس و این قانون ملت بیزار (بهار، ۱۳۸۷: ۴۷۴). مجلس چهاردهم مجلس نان پختن بود/ حیف شد سعی سهیلی که نیامد مشکور (بهار، ۱۳۸۷: ۷۸۰). از «دولت» هم انتقاد می‌کند، انگار دولت هم با مجلس همدستی می‌کند تا کشور را به سمت ویرانی ببرد: «همه پستی و دنائت، همه نادانی و جهل/ همه تزویر و تقلب همه تقصیر و قصور.../ به جز از نفع ندارند ز هستی مقصود/ به جز از پول ندارند به گیتی منظور.../ شهر مخروبه و مخروبه ایشان آباد / ملک ویرانه و ویرانه ایشان معمور» (بهار، ۱۳۸۷: ۵۷۱).

مدل مفهومی پژوهش



بر اساس مدل مفهومی پژوهش و در یک جمع بندی از یافته ها، همانگونه که ملاحظه می شود، در اشعار شاعران منتخب مشروطه؛ ادیب الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک الشعرا بهار، نگارندگان با بررسی این اشعار و بر اساس الگوی جستاری اسپریگنز و فهم دولت استبدادی، برای هر مولفه مصداق هایی استخراج کردند. مشاهده و شناسایی مشکل با مولفه "دولت استبدادی و پاتریمونیاال"، ریشه یابی مشکل با مولفه "تاکید بر وحدت و اتحاد در جامعه ایران و حضور و دخالت نیروهای بیگانه"، ترسیم نظم آرمانی با مولفه "تاکید بر عدالت، ستایش از

آزادی و آزادی خواهان، وطن پرستی"، طرح راه حل و درمان با مولفه "مجلس و مشروطه واقعی" قابل تطبیق و بهره برداری است. آنچه از تطبیق آرا این سه شاعر به آن دست می یابیم درون مایه هایی است که در بررسی اشعار پدیدار می گردد و به دلیل حاکمیت حاکمان خودکامه و دخالت کشورهای بیگانه مضامین سیاسی مشترکی چون؛ ظلم ظالمان، استبداد، بی کفایتی شاهان وقت، ستایش از آزادی و آرزوی داشتن مجلس و مشروطه واقعی در سروده های هر سه شاعر وجود دارد. این مقاله با رویکرد مقایسه ای به بررسی و تطبیق این مضامین پرداخته است.

نتیجه گیری و پیشنهادها

ادبیات در دوران مشروطه برخلاف دوران پیشین، همگام با مسائل اجتماعی نگرشی سیاسی پیدا کرد به گونه ای که شعر در این دوران مضمون اصلیش را از سیاست الهام می گرفت و نسبت به تحولات جامعه واکنش نشان می داد. شاعران منتخب که خود از روشنفکران این دوره و از پرچمداران نهضت مشروطه نیز محسوب می شوند، قانون و آزادی که از مضامین مهم سیاسی این عصر است را در اشعار خود بازتاب گسترده ای داده اند. بنابراین دوره مشروطه را می توان دوره نوآوری تحت تاثیر سیاست زمان با مضامین ادبی در جلوه ای نو در اندیشه های ملی و میهنی ایران دانست. شاعرانی چون ادیب الممالک فراهانی، وحید دستگردی و ملک الشعرای بهار در گسترش افکار مشروطه طلبی و آزادی خواهی نقش بسزایی را ایفا کرده اند. از آنجاییکه دوران مشروطه نقطه عطفی در تاریخ ادب ایران است و تغییرات بسیاری در این زمان حادث شده است و شاعران به مثابه نخبگان سیاسی که تاکنون مدح شاه می گفتند از دربار ناامید شده و به میان مردم کوچه و بازار آمدند و از زبان آن ها الهام گرفتند و با ادبیات سیاسی و به نقد شاه و شرایط حاکم پرداختند و به حکومت پنجه کشیدند. نویسندگان این مقاله با مبنا قرار دادن اندیشه های سه شاعر عهد مشروطه یعنی ادیب الممالک فراهانی، وحید دستگردی و محمدتقی ملک الشعرای بهار، سعی در تبیین مهمترین گفتمان های انتقادی آنان در قبال دولت قاجار با تاکید بر تئوری جستاری اسپریگنز داشته اند. در این راستا و در گام نخست، آنچه که شرایط ایران اسفناک آن زمان را بیش از پیش برای این سه شاعر برجسته نموده بود، بحث استبداد حاکم از سوی طبقه حاکم بوده است به نحوی که خودرایی و استبدادشاهان، اصلی ترین عامل اوضاع وخیم سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران به شمار می رفت. ادیب الممالک فراهانی و در بحث غرب ستیزی و در شعر "مرثیت"

، با تندی بیشتری نسبت به دو شاعر دیگر به محمد علی شاه می تازد و از بزرگان مملکت انتقاد می کند. در گام بعدی، سه شاعر مذکور در تبیین چرایی این مسئله انتقاد صریح خود را معطوف به دو علت دیگر، یکی چندپارگی جامعه ایران و عدم وحدت مردم و دیگری حضور و مداخله گاه و بیگاه نیروهای بیگانه (همچون روس، انگلیس و حتی آلمان) دانستند. در این راستا، وحید دستگردی با زبانی شیوا و محکم تر مطالبه گری را در حقوق پایمال شده امت اسلامی رهنمون می شود و درنگ را به هیچ عنوان جایز نمی داند. این سه شاعر مشهور در گام سوم، سه مفهوم عدالت، آزادی و وطن پرستی را آرمانی برای جامعه مصیبت زده ایران آرزو کرده و نهایتاً برای درمان و چاره جویی خواستار تحقق یک مجلس واقعی یا مشروطیتی کارآمد شدند. اما در جایگاه عدالت و آزادی مورد تاکید است، بهار امیدی به بهبود اوضاع ندارد و تنها راه نجات را برای امت ستمدیده ایران در شعر "کار ایران با خداست"، عدالت می داند. او هم چنین در مسئله کوتاهی در حق وطن و در اشعاری چون "از ماست که بر ماست" نیز بر دو شاعر دیگر برتری خاصی دارد و بر این باور است که در حق وطن کوتاهی شده است. در مرحله چهارم و در موضوع مشروطه و مجلس، وحید دستگردی بازبانی تندتر و با شعر "چکامه بلند بختیاری"، وزرا و وکلای خائنینی می داند که کشور را به ورطه نابودی رسانده اند. دیدگاه ادیب نیز در این راستا نسبت به دو شاعر دیگر متفاوت است. او با این که مرتجعان را مستبد می داند ولی معتقد است که امکان یکدلی و وحدت در کنار مشروطه خواهان برای ایشان وجود دارد. بنابراین در مقایسه آرا دیدگاه های این سه شاعر در موضوع دولت استبدادی وقت، بیانگر این است که مشروطه نه تنها تغییراتی در نظام حکومتی ایجاد کرد بلکه نظام شعر را به طرز شگرفی دگرگون ساخت و هر سه شاعر با دیدگاه هایی هر چند متفاوت، همپای گروه های مردمی سعی در ایجاد شور و شوق و دخالت ملت در امور سیاست و دفاع از ارزش های ملی و وطنی داشتند. این شاعران سعی در بیداری ملت و آگاهی و آشنایی آنان با بدنه دولت که زمینه را برای بروز تحقق خودکامه عاری از ساختار و ضابطه، که از بارزترین ویژگی های دیوان سالاری استبدادی است داشتند.

شعر آن باشد که خیزد از دل و جوشد ز لب باز در دلها نشیند هر کجا گویی شفت

(بهار، ۱۳۸۰: ۴۲۲)

فهرست منابع

Articles

- Afsarirad, M., Alam, M., & Jalilian, S. (2019). Patrimonialism in the Era of Ghajar Dynasty, Jame Paghohi Farhangi, 10(3), 51-77. [In Persian]
- Asadi, Fahimeh. (2022). Comparison and Analysis of Constitutional Poets Perspectives on Social Classes, Research Journal of Persian Language and Literature, (67), 41-64. [In Persian]
- Darvishpur, H., Lekzi, M., Athari, A., & Mahmudi, M. (2021). Investigation of Patrimonialism on Modern Institutions of Pahlavi Era (Case Study): Army and Patrimonialism, Islamic and Historical Research, 8 (29), 401-427. [In Persian]
- Hatami, Hafez; Nasr Esfahani, Mohammadreza and Babasafari, Ali Asqar. (2002). Social Approach on Adib-al Mamalek Farahani, Journal of Literary Research, (164), 161-193. [In Persian]
- Musavi, H. (2020). Legal Literature. Tehran: Nasl Roshan

Books

- Arianpur, Y. (1999). From Saba to Nima. Tehran: Agah Publication. [In Persian]
- Bahar, Mohammad Taghi. (1999). Collection of Poems. Tehran, Toos. [In Persian]
- Bahramian Fael, Maryam. (2022). Justice in Constitutional Poems. Tehran: Zarrin Hushmand. [In Persian]
- Gholipur, L. (2020). The Development of Realist Poetry from Constitutional Era to the Recent Time. Tehran: Bartarandishan. [In Persian]
- Grace, W. (2002). Literature and Its Reflection. Translated by Behruz Azabdaftari: Tabriz, Korvash. [In Persian]
- Mahmudizadeh, M., & Hosseinzadeh, Z. (2017). Resistance Literature in Constitutional Poetry. Tehran: Minufar Publication
- Mir Ahmadi, M., & Moradi Tadi, M. (2017). Methodology of Political Intellect: Comparative Criticism. Periodical of Political and International Findings, 7(4), 179-303. [In Persian]
- Mirali Hassanzadeh, A., Khatami, A., & Nasiri Salush, S. Z. (2014). The Impact of Social Class on Poetry of Constitutional Poets with Concentration on the Poetry of Iraj Mirza and Farokhi Yazdi. Persian Language and Literature Research, 13(39), 45-68. [In Persian]
- Mohaghegh, A., & Abbasi, H. (2021). Imagination and Politics, Investigation in the Process of Context of Constitutional Poetry. Persian Language and Literature, 29(90), 147-172. [In Persian]. (2014). Comparative Analysis of Religious Quotes in Constitutional Poetry. Quranic Researches in Literature, 1(2), 79-102. [In Persian]
- Radmanesh, A. (1999). Vahid and Bakhtiari Ballad (Research on Constitutional Literature). Journal of History, 3 (9), 61-77. [In Persian]
- Shafiei Kadkani, M. (2022). Periods of Persian Poetry from Constitutionalism to the Fall of the Monarchy. Tehran: Sokhan

- Shfiie Qahfarkhi, O., Fatemi, S. A., & Rahmani, J. (2014). Political Themes Of Adibalmmalek Farahani Poetry. *Political Research of Islamic World*, 2(2), 97-114. [In Persian]
- Soleimani, A., & Mehravaran, M. (2019). Criticism of Constitutional Poetry with Emphasis on the Poetry of Mirzadeh Eshgi and Abolghasem Lahuti. *Literary Science*, 9(16), 167-205. [In Persian]
- Taslim Jahromi, F., & Amirian, T. (2012). Comparative Analysis of Adibalmamalek Farahani and Maaruf Alrasafi Political Poetry. 6th International Conference of Literary Researches, Shahid Beheshti University. [In Persian]
- Zabihnia Omran, A. (2018). Political Protest Approach of Farokhi Yazdi and Authoritarian Critical Thoughts in the Constitutional Era, *Political Researches of Islamic World*, 8(4), 197-220. [In Persian]

